



## ابعاد مسئولیت‌های حقوقی مربوط به سقوط هواپیمای اوکراینی

### براساس ماده ۵۴ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲

سید عباس جزایری

استادیار گروه حقوق واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد، ایران

Abbas.jazaeri@gmail.com

امیر قائدی (نویسنده مسئول)

دانشجوی مقطع دکتری رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی شهرکرد ایران

amirghaedi64@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹،۰۲،۰۲ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹،۱۰،۲۵

۲

## چکیده

۱۸ دی‌ماه ۱۳۹۸، یک هواپیمای مسافربری خطوط هوایی اوکراین، چند دقیقه پس از آغاز پرواز، به دلیل شلیک مستقیم دو موشک توسط سامانه پدافند هوایی ساقط شد و تمامی سرنشینان آن به شهادت رسیدند. در بیانیه رسمی که در ارتباط با این حادثه دردناک از سوی ستاد کل نیروهای مسلح صادر شد، علت این حادثه، خطای انسانی غیر عمد در تشخیص اشتباه شیء پرنده اعلام و وعده محاکمه و مجازات افراد خاطی در ارتباط با این حادثه داده شد. فارغ از جنبه‌های سیاسی و امنیتی موضوع، می‌توان درصدد شناسایی و بررسی ابعاد مسئولیت‌های حقوقی مربوط به این حادثه برآمد. بدین منظور، می‌توان ماده ۵۴ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ در ارتباط با ارتکاب بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی و عدم رعایت نظامات دولتی در راستای امور خدمتی در نیروهای مسلح را مورد بررسی قرارداد. بر اساس این ماده، به‌روشنی، امکان تحمیل مسئولیت کیفری بر افراد خاطی اعم از آمر و مأمور وجود دارد و این مسئولیت، نافی تعهد به جبران خسارات این افراد نیز نیست.

کلیدواژگان: سقوط هواپیمای اوکراینی، بیانیه ستاد کل نیروهای مسلح، خطای انسانی غیر عمد،

مسئولیت کیفری، ماده ۵۴ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح.

## مقدمه

نیروهای مسلح، در همه کشورها از جمله مهم ترین تابعان حقوق کیفری هستند و فصل مهمی از قوانین و مقررات کیفری در بسیاری از کشورها، به بحث جرائم و مجازات های مربوط به آن ها اختصاص یافته است. در واقع، اهمیت و حساسیت وظایف و تکالیفی که نیروهای مسلح بر عهده دارند، می طلبد که مقررات کیفری مدون و منظمی در مورد آن ها به تصویب رسیده و اجرا گردد. نظام کیفری کشور ما نیز از این قاعده مستثنی نیست. در کشور ما نیز جرائم ارتكابی از سوی نیروهای مسلح، فصل قابل توجهی از مقررات و قوانین کیفری را به خود اختصاص داده اند و بدین ترتیب، قانون جرائم نیروهای مسلح، در این زمینه، یکی از مهم ترین قوانین کیفری در کشور ماست. بخشی از مقررات کیفری راجع به نیروهای مسلح، علاوه بر جرائم عمدی مبتنی بر سوء نیت، در مورد بی احتیاطی ها و بی مبالاتی های آن ها در ایفای وظایف است. در قسم اخیر از جرائم، درست است که عنصر روانی جرم های ارتكابی را تقصیر کیفری تشکیل می دهد (و نه عمد) و اساساً رفتار ارتكابی را باید غیر عمد دانست و نه عمد، لکن، همین مقدار بی احتیاطی نیز می تواند گاه، نتایج و عواقب جبران ناپذیری به دنبال داشته باشد. در واقع، اینکه مقنن تقصیر جزایی را در امور نظامی مطرح کرده است و علاوه بر جرائم عمدی، جرائم غیر عمدی را نیز سبب ایجاد مسئولیت کیفری قلمداد نموده، ریشه در اهمیت امور و مراتب نظامی برای کشور دارد. نمونه بارز این بی احتیاطی ها و بی مبالاتی ها در نیروهای مسلح، حادثه ای است که در تاریخ ۱۸ دی ۱۳۹۸، رخ داد. در این روز، یکی از دردناک ترین حوادث و سوانح هوایی در طول سال های اخیر رخ داد. هوایمای متعلق به خطوط هوایی اوکراین، تنها چند دقیقه پس از آنکه به پرواز درآمد، به دلیل شلیک مستقیم موشک از سمت سامانه پدافند هوایی مستقر در نزدیکی فرودگاه بین المللی امام خمینی (ره) ساقط شد و همه ۱۷۶ نفر سرنشین آن به شهادت رسیدند. بنابر اعلام ستاد کل نیروهای مسلح در بیانیه رسمی مورخ ۲۱ دی ۱۳۹۸، علت این حادثه، خطای انسانی غیر عمد در تشخیص اشتباه شیء پرونده بوده است. از حیث حقوقی و بر اساس مقررات فعلی کیفری در مورد جرائم و مجازات های مربوط به نیروهای مسلح در کشور ما، خطای غیر عمد ارتكابی از سوی متصدی سیستم پدافند هوایی در حادثه، مشمول

ماده ۵۴ قانون جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ است. این ماده برای ارتکاب بی‌احتیاطی، بی‌مبالائی و عدم رعایت نظامات دولتی در راستای امور خدمتی در نیروهای مسلح، کیفر تعیین کرده است. براساس بیانیه رسمی ستاد کل و نیز مقرره ای که در قانون جرائم نیروهای مسلح به تصویب رسیده، می‌توان در صدد شناسایی و تحلیل جنبه‌ها و ابعاد مسئولیت کیفری عاملان و مسببان این خطای انسانی برآمد. در تحقیق حاضر، سعی می‌شود مفاد این ماده قانونی در ارتباط با حادثه سقوط هواپیمای اوکراینی، مورد مذاقه و مطالعه قرار گیرد.

### ماجرای سقوط هواپیمای اوکراینی

پرواز شماره ۷۵۲ هواپیمایی بین‌المللی اوکراین با نام بین‌المللی PS752 یک پرواز مسافربری متعلق به هواپیمایی بین‌المللی اوکراین، از مبدأ تهران به مقصد کیف بود که هدف شلیک پدافند هوایی قرار گرفت و ساقط شد. این هواپیمای در ۱۸ دی ۱۳۹۸ (۸ ژانویه ۲۰۲۰) ساعت ۶:۱۹ صبح، اندکی پس از برخاستن از فرودگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، هدف دو موشک قرار گرفت که به فاصله ۲۴ ثانیه از سامانه موشکی پدافند هوایی مستقر در نزدیکی فرودگاه شلیک شدند و کمی بعد، این هواپیمای در نزدیکی شاهدشهر استان تهران سقوط کرد. همه ۱۷۶ سرنشین این پرواز به شهادت رسیدند. در تاریخ ۲۱ دی ۱۳۹۸، شلیک موشک به پرواز ۷۵۲ توسط ستاد کل نیروهای مسلح ایران تأیید شد. دلیل شلیک موشک به این هواپیمای مسافربری، در اطلاعیه ستاد کل نیروهای مسلح، «خطای انسانی غیر عمد در تشخیص شیء پرنده» اعلام شد. تا این لحظه، بیانیه‌های دیگری از سوی سازمان هواپیمایی کشوری در مورد این حادثه صادر شده که بیشتر، دلالت بر جنبه‌های فنی موضوع می‌کند اما آنچه مورد بحث ما در تحقیق حاضر است، جنبه‌های حقوقی به‌ویژه کیفری موضوع است. لذا بیانیه‌های مورد اشاره، موضوع مقال حاضر نیست. از حیث حقوقی نیز، تنها همان بیانیه صادر شده از سوی ستاد کل نیروهای مسلح در تاریخ ۲۱ دی ۱۳۹۸، مبنای بحث قرار می‌گیرد که «خطای انسانی غیر عمد در تشخیص شیء پرنده» را عامل بروز حادثه اعلام کرده است. فارغ از جنبه‌های سیاسی و امنیتی موضوع، در این تحقیق، سعی می‌شود آنچه در ماجرای سقوط هواپیمای اوکراینی رخ داده و علتی که برای این حادثه از سوی ستاد کل اعلام شده، با تطبیق بر ماده ۵۴ قانون جرائم نیروهای مسلح، مورد بحث قرار گیرد تا مشخص شود بر اساس این ماده و مطابق

با علتی که در بیانیه ستاد کل اعلام شده، چه حدودی از مسئولیت کیفری برای مسببان این حادثه قابل ذکر است؟

به هرتقدیر، به سبب آنکه اقدام به شلیک به هوایما، از سوی نیروهای نظامی ایرانی صورت گرفته، بر اساس نرم‌ها و هنجارهای بین‌المللی، تردیدی در مسئولیت حقوقی دولت ایران در این زمینه وجود ندارد. (اسماعیلی، ۱۳۹۸، ۲۹۹-۳۲۰) (اسماعیلی، ۱۳۹۷، ۲۰-۲۹) باین حال، باید دید که موضوع به چه صورت می‌تواند مورد پیگرد قضایی قرار گیرد؟

## ۱- امکان پیگرد قضایی موضوع

از همان لحظات ابتدایی پس از صدور بیانیه رسمی ستاد کل نیروهای مسلح، بحث‌ها در مورد امکان پیگرد حقوقی و قضایی موضوع، آغاز شد و ستاد کل نیز در قسمتی از بیانیه رسمی خود، از اقدامات لازم برای شناسایی و محاکمه مسببان و عاملان حادثه سخن گفت. همین امر، انتظارات افکار عمومی برای پیگیری موضوع را افزایش داد. تا به حال، اظهاراتی از سوی مسئولان ستاد کل و نیز قوه قضاییه مبنی بر شناسایی عاملان و مسببان این حادثه، صورت گرفته است ولیکن تا زمان نگارش این سطور، هنوز هیچ روند قضایی مشخصی برای این پرونده، قابل ذکر نیست. باین حال، به نظر می‌رسد به دلیل آنکه سامانه پدافند موشکی، جزئی از ساختار نیروهای مسلح در کشور ماست و انجام وظایف عملیاتی با این سامانه، یکی از مصداق‌های بارز رابطه سازمانی آمر و مأمور است، مقوله از حیث حقوقی، کاملاً و آشکارا قابل بحث است. سؤال این است که در حال حاضر، بر اساس قوانین و مقررات موجود، چه راهکاری می‌توان برای پیگرد حقوقی و قضایی موضوع ارائه نمود؟ در پاسخ می‌توان گفت در قانون جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲، با ماده‌ای روبرو هستیم که بحث از بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی و عدم رعایت نظامات دولتی در راستای امور خدمتی کرده و اگر بیانیه رسمی ستاد کل و نیز علت اعلام شده توسط این ستاد یعنی خطای انسانی غیر عمد را مبنای تحلیل قرار دهیم، به نظر می‌رسد موضوع، در شمول و گستره این ماده قرار گیرد. این ماده، ماده ۵۴ قانون جرائم نیروهای مسلح است که سعی کرده است ضمانت اجرای مبتنی بر حبس از یک تا سه سال در موارد ارتكابی بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی و عدم رعایت نظامات دولتی

در راستای امور خدمتی در نظر گیرد. در ادامه، تلاش خواهد شد این ماده از حیث حقوقی، مورد بررسی مفصل قرار گیرد.

## ۱- عناصر تشکیل‌دهنده جرم مقرر در ماده ۵۴ قانون مجازات نیروهای مسلح

ماده ۵۴ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ مقرر می‌دارد: «هرگاه بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی یا عدم رعایت نظامات دولتی در ارتباط با امور خدمتی توسط فرماندهان و مسئولان رده‌های مختلف نیروهای مسلح، موجب تلفات جانی و یا صدمات بدنی گردد، چنانچه به موجب مواد دیگر این قانون و یا سایر قوانین مستلزم مجازات شدیدتر نباشد، مرتکب به حبس از یک تا سه سال محکوم می‌شود.» بنا بر رسمی که بسیاری از کتب حقوق جزای اختصاصی در کشور ما به منظور پرداختن به عناصر و ارکان تشکیل‌دهنده جرائم اتخاذ کرده‌اند، عناصر تشکیل‌دهنده جرم موضوع ماده ۵۴ قانون جرائم نیروهای مسلح را می‌توان عبارت دانست از: عنصر قانونی، عنصر مادی و عنصر روانی. یکایک این عناصر جرم را بررسی می‌کنیم.

### ۱-۳ عنصر قانونی

بنا بر یک اصل مسلم و غیرقابل‌خدشه در حقوق کیفری، هیچ جرمی و هیچ مجازاتی بدون وجود قانونی که رفتاری را جرم‌انگاری کرده و برای آن مجازات در نظر گرفته باشد، قابل‌تصور نیست. (سلیمی، ۱۳۹۸، ۲۱) اصل قانونمندی، مهم‌ترین عنصر مورد مطالعه در حقوق جزای ماهوی و نیز حقوق جزای شکلی (اردبیلی، ۱۳۹۶، ۲۸) و در واقع، به قول برخی حقوقدانان، دروازه ورود به حقوق کیفری است (حبیب‌زاده و زینالی، ۱۳۸۴، ۵) و بدون وجود آن، هیچ‌یک از مباحث دیگر راجع به اجزا و عناصر و ارکان تشکیل‌دهنده جرائم، قابل‌تصور و تحقق نخواهد بود. (نوربها، ۱۳۹۲، ۳۱) در اینکه رابطه میان عنصر قانونی با دو عنصر دیگر تشکیل‌دهنده جرائم به چه صورت هست، اختلاف‌نظری ظریف میان حقوقدانان وجود دارد. در حالیکه برخی، معتقدند عنصر قانونی در عرض دو عنصر دیگر یعنی عنصر مادی و روانی است و بنابراین، اعتباری هم‌سنگ و برابر با دو عنصر دیگر مادی و روانی دارد و اساساً هیچ دلیلی بر ترجیح یکی از این عناصر بر دیگر عناصر وجود ندارد (محسنی، ۱۳۸۳، ۵۹) (دادبان، ۱۳۷۷،

(۱۳) (بাহری، ۱۳۸۹، ۳۳)، برخی دیگر بر این باورند که عنصر قانونی در طول دو عنصر دیگر است و بدین ترتیب، تا زمانی که عنصر قانونی وجود نداشته باشد، بحثی از ماهیت و وجود دو عنصر دیگر نمی‌توان داشت و به تعبیری، دو عنصر مادی و روانی و بحث از آنها، پس‌از آن است که عنصر قانونی، تحقق یافته باشد. (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۶، ۳۱) همچنانکه مشخص است، جرم بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی یا عدم رعایت نظامات دولتی در ارتباط با امور خدمتی نیروهای مسلح، در ماده ۵۴ قانون جرائم نیروهای مسلح، پیش‌بینی شده است. این رفتار، در این ماده قانونی، جرم انگاری شده و با مجازات، روبرو شده است بنابراین، این ماده قانونی را می‌توان عنصر قانونی جرم مورد اشاره محسوب کرد. در تحلیل این رفتار مجرمانه، برخی از شروحنی که بر روی مواد قانون جرائم نیروهای مسلح در کشور ما نگاشته شده‌اند، این ماده قانونی را یکی از اصلی‌ترین و مهم‌ترین مواد مصوب در قانون پیش گفته به شمار آورده‌اند. از جمله، در یکی از شرح‌های نگاشته شده، ذیل این ماده می‌خوانیم: «قانون‌گذار با درک درست و مبتنی بر واقعیات حاکم بر نیروهای مسلح و روابطی که میان آمران و فرماندهان و مأموران در رده‌های مختلف نیروهای مسلح وجود دارد، در این ماده، یکی از مهم‌ترین امور و موضوعاتی که امکان رخداد در سطح نیروهای مسلح دارد را جرم انگاری کرده و برای آن، مجازات در نظر گرفته است...» (مصدق، ۱۳۹۰، ۱۴۳) در شرح دیگری درباره این جرم می‌خوانیم: «... اقدام قانون‌گذار به جرم انگاری رفتار این ماده قانونی، از جمله مهم‌ترین تصمیمات تقنینی در مورد به سامان تر کردن روابط آمر و مأموری در رده‌های نیروهای مسلح است. به نظر می‌رسد بدون جرم انگاری چنین رفتاری، قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح، قانونی ابتر و عملاً خنثی خواهد بود... به هر حال، بی‌احتیاطی‌ها و بی‌مبالاتی‌ها و عدم رعایت نظامات دولتی، در قلمروهایی که هر روزه، با شکل‌گیری روابطی میان آمران (فرماندهان) و مأموران تجلی می‌یابد و بنابراین، یک امر و پدیده مرسوم و معمول است، پدیده‌ای بسیار مهم است که به سبب اهمیت رفتارهای مجرمانه ارتكابی، لازم است رویکرد قانون‌گذار در مورد این رفتارها، مشخص باشد و دادگاه‌ها در تشخیص موضوع و تصمیم‌گیری قضایی در مورد آن، با تشتت رأی روبرو نگردند...» (دلیر، ۱۳۹۵، ۱۷۳) به هر تقدیر، ماده ۵۴ قانون مجازات نیروهای مسلح، سعی کرده است نسبت به زمانی که بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی و عدم رعایت نظامات دولتی در سطح نیروهای مسلح و در رابطه میان آمران (فرماندهان) و مأموران، منتهی به بروز صدمات جسمانی و تلفات بدنی می‌گردد، اقدام به قاعده گذاری حقوقی کند.

علاوه بر عنصر قانونی، لازم است عنصر مادی و نیز عنصر روانی تشکیل‌دهنده جرم موضوع ماده ۵۴ قانون جرائم نیروهای مسلح را نیز بررسی کنیم.

## ۳-۲ عنصر مادی

وجود عنصر قانونی به تنهایی برای محاکمه و اعمال مجازات‌های موردنظر قانون‌گذار، کافی نیست بلکه علاوه بر این عنصر، باید رفتاری که به نحوی، جرم موردنظر قانون‌گذار را تجلی بخشیده باشد نیز وجود داشته باشد. در واقع، تا زمانی که رفتار و کنشی از سوی فرد در راستای نقض قانون کیفری وجود نداشته باشد، جرم موردنظر قانون، رخ نداده و بنابراین، هیچ چیزی مسئولیت کیفری به دنبال نداشته و مجازاتی به همراه نخواهد داشت. (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۵، ۴۳) بنا بر قول برخی حقوقدانان فرانسوی، عنصر مادی، «عنصر پیکره جرم» است یعنی تجسم خارجی و عینی جرم موردنظر قانون‌گذار است و حتماً و الزاماً باید رفتار و کنشی در راستای نقض قانون کیفری از سوی مرتکب وجود داشته باشد تا بتوان جرم موردنظر قانون‌گذار را تحقق یافته تلقی و مجازات‌ها و یا دیگر واکنش‌های موردنظر قانون‌گذار را قابل اجرا محسوب نمود. عنصر مادی، بر اساس تعریفی که بسیاری از حقوقدانان ارائه داده‌اند، عبارت است از رفتار و کنشی که مبتنی بر نقض قانون باشد و تا زمانی که وجود نداشته باشد، ما فقط با اندیشه مجرمانه روبرو هستیم، (۳۳) که به موجب یکی از اصول سنتی و کلاسیک حقوق کیفری، صرف وجود اندیشه مجرمانه، قابل مجازات نیست بلکه باید رفتاری مبتنی بر تحقق و تجسم عینی و واقعی این اندیشه مجرمانه نیز وجود داشته باشد و در واقع، جمع عنصر مادی و روانی است که جرم موردنظر قانون‌گذار را تحقق و عینیت می‌بخشد. (گلدوزیان، ۱۳۹۳، ۴۱) به نظر می‌رسد عنصر مادی جرم موضوع ماده ۵۴ قانون جرائم نیروهای مسلح، در حقیقت، همان رفتار خطاکارانه ارتكابی در راستای نقض دستورات و تکالیف مقرر در سازمان نیروهای مسلح است. بدین ترتیب، رفتار مبتنی بر بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی و عدم رعایت نظامات دولتی در ارتباط با امور خدمتی در رده‌های مختلف نیروهای مسلح کشور را می‌توان عنصر مادی یا همان رفتار مادی تشکیل‌دهنده جرم موردنظر قانون‌گذار در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح، محسوب کرد. (یزدانیان، ۱۳۹۰، ۱۰۱) مهم‌ترین مصداق رفتارهای مادی تشکیل‌دهنده جرم موضوع ماده ۵۴ را می‌توان عبارت دانست از: نقض دستور فرمانده و آمر از سوی مأمور چه به صورت فعل و یا ترک فعل. یعنی گاه، مأمور، موظف به انجام امری در ارتباط با امور خدمتی و وظایفی که از سوی مقام مافوق نسبت

به وی متصور است می‌باشد و اقدام به ترک این وظیفه می‌کند و گاه برعکس، او مجاز به ارتکاب رفتاری در ارتباط با امور خدمتی و وظایف محوله در ارتباط با امور خدمتی نیست ولی مرتکب آن رفتار خاص می‌شود. در هر دو حالت، فعل و ترک فعل ارتكابی، عنصر مادی تشکیل‌دهنده جرم موضوع ماده ۵۴ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح را شکل می‌دهند. در نهایت، باید عنصر روانی تشکیل‌دهنده جرم موضوع ماده ۵۴ را بررسی کرد.

### ۳-۳ عنصر روانی

بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی و عدم رعایت نظامات دولتی مذکور در ماده ۵۴ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح، همچنانکه دلالت بر ماهیت رفتار ارتكابی در جرم موردنظر در این ماده و تشکیل‌دهنده عنصر مادی این جرم دارد، دربردارنده ماهیت عنصر روانی این جرم نیز هست. همچنانکه مشخص است، قانون‌گذار، بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی و عدم رعایت نظامات دولتی در راستای امور خدمتی در رده‌های مختلف نیروهای مسلح را که منتهی به تلفات و صدمات جسمانی و بدنی شده، جرم انگاری کرده است. بر اساس تقسیم‌بندی مرسوم که در حقوق جزا وجود دارد، زمانی که ماهیت رفتار ارتكابی را مواردی نظیر بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی و عدم رعایت نظامات دولتی شکل دهد، اصولاً ما با جرم‌های غیرعمدی روبرو هستیم. در واقع، به‌موجب این تقسیم‌بندی، جرم‌ها یا عمدی هستند و یا غیرعمدی. (علوی، ۱۳۹۵، ۴۹) زمانی جرم، عمدی است که رفتار ارتكابی، مبتنی بر قصد و خواست نقض قانون باشد و رفتار ارتكابی، ناشی از ذهن خطاکارانه و ارتكاب یک تقصیر یا خطای جزایی نباشد. (خداخواه، ۱۳۹۸، ۴۵) در مقابل، زمانی که یک تقصیر یا خطای کیفی و نه عمد و سوءنیت یعنی قصد منجز و قطعی و آشکار برای نقض قانون، رفتار را شکل دهد، جرم ارتكابی، غیرعمدی است. (محمدخانی، ۱۳۹۴، ۲۴) آنچه در ماده ۵۴ قانون جرائم نیروهای مسلح مقرر شده، دلالت بر ارتكاب رفتاری از روی بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی و عدم رعایت نظامات دولتی می‌کند و گویا ظاهراً قانون‌گذار، ماهیت جرم ارتكابی موضوع این ماده را غیرعمدی محسوب کرده است. با این حال، اشاره به مصادیقی نظیر بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی و عدم رعایت نظامات دولتی ارتكابی در سطح نیروهای مسلح در راستای امور خدمتی، هرگز به معنای بی‌اهمیت بودن رفتار ارتكابی نیست زیرا همچنانکه در این ماده نیز مشخص است، قانون‌گذار به نتایج رفتار ارتكابی یعنی تلفات جسمانی و صدمات بدنی اشاره داشته که طبعاً نمی‌تواند موضوع کم‌اهمیتی باشد. بنابراین،



درست است که مصادیقی که در ماده ۵۴ آمده، همگی مصداق‌های جرم‌های غیر عمدی هستند، اما به نظر می‌رسد قانون‌گذار، همین مقدار بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی و یا عدم رعایت نظامات دولتی را نیز برنناخته و آن‌ها را مشمول ضمانت اجرای قانونی قرار داده است. نکته دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد آن است که به نظر می‌رسد توجه به مصادیق عنصر روانی جرم موضوع ماده ۵۴، نباید ما را از توجه به قید دیگر مقرر در این ماده منصرف سازد. همچنانکه مشخص است، قانون‌گذار در این ماده مقرر نموده است، رفتارهای ارتكابی در این ماده قانونی، «چنانچه به موجب مواد دیگر این قانون و یا سایر قوانین، مستلزم مجازات شدیدتر نباشد»، به مجازات مقرر در ماده مورد اشاره، محکوم خواهند شد. بنابراین، می‌توان تصور کرد که بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی و عدم رعایت نظامات دولتی در رده‌های نیروهای مسلح در راستای امور خدمتی، منتهی به صدمات جسمانی و تلفات بدنی گردد و در عین حال، با مجازاتی غیر و شدیدتر از مجازات مقرر در ماده ۵۴ روبرو شده باشد که در این صورت، مانعی برای اعمال مجازات شدیدتر مقرر در دیگر قوانین صرف نظر از حکم ماده ۵۴ وجود نخواهد داشت. با مذاقه در دیگر مواد قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح، با مصداق دیگری از پیش‌بینی مجازات شدیدتر نسبت به بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی و عدم رعایت نظامات دولتی در راستای امور خدمتی در نیروهای مسلح روبرو نیستیم. با این حال، این امر مانع از ارجاع رفتار ارتكابی به قوانینی غیر از قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح نیست. از جمله مقررات قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در این زمینه قابل اشاره هستند. در صورتی که بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی و عدم رعایت نظامات دولتی در راستای امور خدمتی موضوع ماده ۵۴ قانون جرائم نیروهای مسلح، بتواند موضوع دیگر قوانین به شمار آید، اعمال مجازات مقرر در دیگر قوانین به حکم و تجویز ماده ۵۴، با مانعی روبرو نخواهد بود. نکته دیگر اینکه در ارتباط با جرم موضوع ماده ۵۴ از آنجاکه بحث بر سر روابط میان آمر و مأمور در راستای امور خدمتی است، می‌توان نیم‌نگاهی نیز به دیگر مقررات مصوب در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به عنوان یک قانون عام و مادر داشت. از یک سو، در بند «پ» ماده ۱۵۸، «در صورتی که ارتكاب رفتار به امر قانونی مقام ذی‌صلاح باشد و امر مذکور خلاف شرع نباشد»، مورد از مواردی خواهد بود که رفتار ارتكابی، قابل مجازات نیست. در اینجا قانون‌گذار به نوعی عامل موجهه جرم اشاره داشته است. (میرمحمدصادقی و صابری، ۱۳۹۷، ۲۳۴) از سوی دیگر، این حکم قانونی را باید در راستای حکم دیگر مقرر در همین قانون اخیر، بررسی کرد یعنی ماده ۱۵۹ که در آن می‌خوانیم: «هرگاه به امر غیرقانونی یکی از مقامات رسمی، جرمی واقع شود آمر و مأمور به مجازات

مقرر در قانون محکوم می‌شوند لکن مأموری که امر آمر را به علت اشتباه قابل قبول و به تصور اینکه قانونی است، اجرا کرده باشد، مجازات نمی‌شود و در دیه و ضمان، تابع مقررات مربوطه است.» بر این اساس، مثلاً اگر دستور صادره از سوی مقام مافوق در رده‌های نیروهای مسلح در راستای امور خدمتی موضوع ماده ۵۴ قانون جرائم نیروهای مسلح، آشکارا خلاف قانون باشد ولی درعین حال، مأمور با علم به غیرقانونی بودن دستور، مبادرت به عملی کردن آن باشد، دلیلی برای رفع مسئولیت از هیچ‌یک از آمر و مأمور وجود نخواهد داشت. همچنین، در فرضی که مأمور بتواند ثابت کند که واقعاً تصور می‌کرده که دستور صادره از سوی مافوق نسبت به وی، قانونی بوده و بر اساس همین تصور صادقانه، دستور را اجرا کرده باشد، می‌تواند با اثبات این تصور صادقانه، خود را از مجازات شدن رهایی بخشد. بنابراین، برای سلب مسئولیت کیفری از مأمور، فقط اینکه دستور را مقام قانونی ذیصلاح صادر کرده باشد، کافی نیست بلکه دستور نیز نباید غیرقانونی و همچنین بنا بر بند «پ» ماده ۱۵۸، غیرشرعی باشد. درعین حال، همچنانکه ماده ۱۵۹ نیز مقرر کرده است، دیه و ضمان مالی، حتی اگر مجازات جرم ارتكابی ساقط شود، به قوت خود باقی است و این، دلیل بر جدایی و افتراق میان مسئولیت کیفری و مسئولیت مدنی است و اینکه سقوط مسئولیت کیفری، الزاماً موجب سقوط مسئولیت مدنی و تعهد و تکلیف به جبران خسارات وارده ناشی از رفتار ارتكابی نیست.

## ۱- اجزای تشکیل‌دهنده رفتار مادی جرم

به نظر می‌رسد اجزای تشکیل‌دهنده رفتار مادی جرم موضوع ماده ۵۴ قانون جرائم نیروهای مسلح را بتوان عبارت دانست از:

الف- بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی و یا عدم رعایت نظامات دولتی

بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی، مهم‌ترین مصادیق تقصیر یا خطای جزایی هستند که عنصر روانی تشکیل‌دهنده جرم غیرعمدی در حقوق کیفری هستند. همچنانکه ماده ۱۴۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز مقرر داشته است: «تحقق جرائم غیرعمدی، منوط به احراز تقصیر مرتکب است...» از جانب دیگر، همچنانکه تبصره این ماده اشعار می‌دارد: «تقصیر اعم از بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی است. مسامحه، غفلت،

عدم مهارت و عدم رعایت نظامات دولتی و مانند آن‌ها، حسب مورد، از مصادیق بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی محسوب می‌شود.»

بی‌احتیاطی، ارتکاب تقصیر به صورت فعل مثبت است یعنی فردی مجاز به ارتکاب تقصیر نباشد ولی مرتکب آن شود. در مقابل، بی‌مبالاتی، ارتکاب تقصیر به شکل فعل منفی (ترک فعل) است یعنی فردی، موظف بوده که از بروز خطری جلوگیری کند ولی بی‌آنکه عمدی در کار باشد، از روی خطا و نه از روی عمد و سوءنیت، مانع بروز آن خطر نشده است. در عین حال، عدم رعایت نظامات دولتی، یک عنوان عام و مطلق است که به حکم تبصره ماده ۱۴۵، حسب مورد، از مصادیق بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی مقرر در تبصره ماده ۱۴۵ است.

باید اضافه کنیم که با اینکه از ظاهر ماده ۵۴ این‌گونه استنباط می‌شود که ارتکاب بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی و عدم رعایت نظامات دولتی، از سوی فرماندهان و مسئولان رده‌های مختلف نیروهای مسلح، قابل تصور است ولی بعید به نظر می‌رسد منظور قانون‌گذار در این ماده، فقط فرماندهان و مسئولان باشد و در واقع، بعید به نظر می‌رسد منظور قانون‌گذار، مأموری که طرف خطاب دستور راجع به امور خدمتی قرار گرفته، نباشد. بنابراین، اشاره به فرماندهان و مسئولان در ماده ۵۴، دلالت بر رفع مسئولیت از مأمور نخواهد داشت. در فرض اعمال ماده ۵۴ هم با فرماندهان و مسئولان و هم با مأمورانی که مخاطب دستورهای مرتبط با امور خدمتی قرار گرفته‌اند، روبرو هستیم و دلیلی بر رفع مسئولیت کیفری به سبب ارتکاب بی‌احتیاطی و دیگر مصادیق مورد اشاره در ماده از مأموران، در دست نیست.

برخی در شرح این قسمت از ماده ۵۴ معتقدند قانون‌گذار تلاش داشته است در مورد امکان تحمیل مسئولیت کیفری ناشی از رفتار ارتكابی توسط مأمور، دیگر ابهامی در این مورد که مسئولان و فرماندهان می‌توانند مسئول رفتارهای ارتكابی از سوی مأموران قرار گیرند، باقی نگذارد.

#### ب- موجب تلفات جانی و یا صدمات بدنی شدن بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی یا عدم رعایت نظامات دولتی

ظاهراً جرمی که در ماده ۵۴ قانون جرائم نیروهای مسلح مورد حکم قانون‌گذار قرار گرفته، اصطلاحاً جرم مقید به نتیجه است یعنی آن دسته از اقدامات مبتنی بر بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی و عدم رعایت نظامات دولتی، مشمول حکم ماده قرار می‌گیرند که در عمل، موجب تلفات جانی یا صدمات بدنی شده باشند.

بنابراین، اقداماتی که منتهی به این نتایج نشده باشند، دستکم مشمول این ماده نبوده و ممکن است تحت شمول مواد دیگری قرار گیرند.

از سوی دیگر، ذکر این نکته لازم است که وقتی سخن از موجب تلفات جانی یا صدمات بدنی شدن بی احتیاطی و بی مبالاتی یا عدم رعایت نظامات دولتی می شود، مباحث مربوط به احراز رابطه علیت و معیارهایی که در این باره، مطرح گردیده اند نیز امکان بررسی پیدا می کنند. در این زمینه، شاید این تصور ایجاد شود که حادثه سقوط هواپیما را می توان بر اساس نظریات چهارگانه ای که در باب رابطه علیت در حقوق کیفری مطرح شده است، مورد بررسی قرار داد.<sup>۱</sup> ولی به نظر می رسد این امر، صحیح نیست زیرا در حادثه سقوط هواپیما، تنها یک علت عمده منتهی به بروز حادثه شده و آن نیز، رفتار خطاکارانه و خطای غیرعمد متصدی سامانه پدافندی بوده است. در حالیکه نظریات چهارگانه، مربوط به زمانی هستند که ما با علل و اسباب مختلف روبرو هستیم و باید از میان آن ها سبب اصلی که می توان نتیجه را به آن منتسب نمود را بیابیم و لذا مقوله سقوط هواپیمای اوکراینی، از مباحث مربوط به احراز سبب اصلی مسئول در نظریات چهارگانه، خروج موضوعی دارد. در نهایت، باید توجه داشت که برای تحقق جرم موضوع این ماده لازم است که میان تخلفات جانی و یا صدمات بدنی وارده و بی احتیاطی، بی مبالاتی و عدم رعایت نظامات دولتی از سوی مرتکب، رابطه علیت یا سببیت برقرار باشد. با مذاقه در موضوع سقوط هواپیمای اوکراینی، به نظر می رسد همان خطای غیرعمد مورد اشاره در بیانیه رسمی ستاد کل، علت اصلی و عمده وقوع حادثه بوده و مسئولیت کیفری مطرح در ماده ۵۴ قانون جرائم نیروهای مسلح نیز بر کسی یا کسانی که این علت عمده را رقم زده اند، قابل تحمیل خواهد بود.

### ج- در ارتباط با امور خدمتی بودن بی احتیاطی و بی مبالاتی و عدم رعایت نظامات دولتی

- در خصوص رابطه علیت و حدود و ثغور آن در عرصه حقوق کیفری، چهار نظریه بیان شده است که در اینجا به اختصار به آن ها اشاره می شود: الف- نظریه خطای کیفری به عنوان شرط واجب یا ضروری نتیجه؛ به موجب این نظریه، اسناد نتیجه مجرمانه به اولین سبب از بین زنجیره اسباب بدون توجه به اولویت آن سبب در تأثیرگذاری، مبنای تشخیص رابطه علیت خواهد بود. ب- نظریه خطای کیفری به عنوان شرط نزدیک یا متصل به نتیجه؛ بر اساس این نظریه، اسناد نتیجه مجرمانه به نزدیک ترین سبب به نتیجه از بین زنجیره اسباب، صورت می گیرد و رابطه علیت بین این سبب و نتیجه، برقرار خواهد شد. ج- نظریه خطای کیفری به عنوان شرط محرک یا پویای نتیجه؛ مطابق این نظریه، ابتدا باید میان اسباب پویا(محرک) که به صورت واقعی، موجب ایجاد نتیجه ای در خارج شده و سبب ایستا(اکد) که چنین ویژگی ندارد و صرفاً می تواند حصول نتیجه را تسریع ببخشد یا تسهیل کند، تفاوت قائل شد. بر اساس نظریه سوم، اسناد نتیجه مجرمانه به پویاترین سبب بین اسباب یعنی سببی که بیشترین محرک برای تحقق نتیجه را فراهم کرده است، صورت خواهد گرفت و د- نظریه خطای کیفری به عنوان شرط کافی نتیجه؛ در این نظریه، اسناد نتیجه مجرمانه به مناسب ترین و کافی ترین سبب بین زنجیره اسباب یا لحاظ بررسی کیفیت اثرگذاری همه اسباب، انجام خواهد شد. برای مطالعه بیشتر، بگرید به: نجیب حسینی، ۱۳۶۱ و نیز محسنی و ملکوتی، ۱۳۹۴

امور خدمتی در شرح‌هایی که بر قانون جرائم نیروهای مسلح و ماده ۵۴ این قانون نوشته شده، معمولاً در معنای اموری که به نحوی در راستای ایفای وظایف سازمانی از سوی مراجع مافوق نسبت به مقامات و مأموران مادون مطرح می‌شوند و اجرای آن‌ها به تعبیر دیگر، جزو وظایف و تکالیف سازمانی در رده‌های نیروهای مسلح محسوب می‌شود، به‌کاررفته‌اند. بنابراین، این امور را می‌توان از مقاصد شخصی که پیگیری و اعمال آن‌ها موجب تلفات و صدمات جسمانی و بدنی شده است، جدا کرد. مقاصد اخیر، می‌تواند موجبات تحقق مسئولیت کیفری شخصی نسبت به مرتکب رفتار مجرمانه را فراهم کنند و مشمول ماده ۵۴ قرار نگیرند. (مالمیر، ۱۳۹۱، ۱۵۴) در قسمت بعد، به منظور تکمیل مباحث، اوصاف رفتار مادی جرم موضوع ماده ۵۴ قانون جرائم نیروهای مسلح را نیز به بحث و بررسی می‌گذاریم.

### اوصاف رفتار مادی جرم موضوع ماده ۵۴ قانون جرائم نیروهای مسلح

به نظر می‌رسد اوصاف رفتار مادی جرم موضوع این ماده را بتوان در چند مورد، احصاء کرد:

الف- وحدت یا تعدد مرتکبان: با عنایت به نص ماده ۵۴ بعید به نظر می‌رسد بتوان اعتقاد به این داشت که جرم موضوع این ماده، صرفاً با اقدام خطاکارانه یک نفر از پرسنل نیروهای مسلح، قابل ارتکاب است. بنابراین، امکان وقوع نتیجه در اثر رفتار ارتكابی دو یا چند نفر نیز وجود دارد و منعی از این حیث، قابل ذکر نیست. در موضوع حادثه سقوط هواپیما نیز ممکن است بتوان بیش از یک نفر را در ارتکاب رفتارخطاکارانه غیرعمد در تشخیص اشتباه(بنابر بیانیه ستاد کل)، مقصر قلمداد نمود.

### ب- بزه دیده جرم

اصولاً در جرائم ارتكابی توسط نیروهای مسلح، به نحوی، بزه‌دیده نخست این جرائم، نظام سیاسی کشور(دولت) است زیرا اثر جرائم ارتكابی، در وهله اول، به دولت بازگشت دارد. از سوی دیگر، علاوه بر دولت به عنوان یک بزه‌دیده و متأثر غیر انسانی از جرم ارتكابی، ممکن است بزه‌دیدگان انسانی نیز بتوان برای جرم ارتكابی در نظر گرفت. همچنانکه در حادثه سقوط هواپیما اوکراینی نیز قابل مشاهده است، بزه‌دیده جرم ارتكابی، از یک سو، دولت است که اصولاً باید در مقام جبران خسارات ناشی از رفتار ارتكابی نیز برآید. حتی به نوعی می‌توان دولت‌هایی که اتباع آن‌ها در این پرواز حضور داشته‌اند و نیز بازماندگان قربانیان حادثه را نیز بزه‌دیده جرم ارتكابی محسوب کرد. از سوی دیگر، سرنشینان

هوایما نیز بزه دیده مستقیم انسانی حادثه بوده‌اند. پس همچنانکه مشاهده می‌شود، تصور جمع چندین نوع بزه‌دیده در یک جرم ارتكابی، تصویری بعید و ناممکن نیست.

### ج - خصوصیات مرتكب

همچنانکه در ماده ۵۴ نیز مشخص است، مرتكب جرم موضوع این ماده، باید از پرسنل نیروهای مسلح (خواه ستادی و خواه کادری و خواه اجرایی) باشد. در عین حال، رده خدمتی مرتكب، آنچنان که در ماده ۵۴ نیز قانونگذار، اشاره به آن را لازم ندانسته، موثر در مقام نیست و بنابراین، مرتكب جرم موضوع ماده ۵۴ قانون جرائم نیروهای مسلح، الزاماً باید در رابطه خدمتی با نیروهای مسلح باشد. در این مورد، دقت در عبارات «در ارتباط با امور خدمتی» و نیز «توسط فرماندهان و مسئولان رده‌های مختلف نیروهای مسلح» مذکور در ماده، می‌تواند راهگشا باشد. در مورد مقوله سقوط هوایمای اوکراینی، مجدداً بر اساس بیانیه ستاد کل، مرتكب یا مرتکبان، جزو نیروهای مسلح شاغل در پدافند هوایی بوده‌اند.

### د - نوع رفتار مادی از حیث مقید یا مطلق بودن جرم

از آنجا که در ماده ۵۴ قانون جرائم نیروهای مسلح، به این امر اشاره داشته که تقصیر ارتكابی، «موجب تلفات جانی و یا صدمات بدنی گردد»، می‌توان گفت ماده، جرم مورد نظر را در زمره جرائم مقید به نتیجه محسوب کرده و نه جرائم مطلق. از سوی دیگر، می‌توان تصور کرد که رفتار خطاکارانه ارتكابی، الزاماً و حتماً موجب تلفات جانی یا صدمات بدنی نگردد. در این صورت، دستکم، موضوع، تحت شمول ماده ۵۴ نیست و ممکن است در قلمرو مواد قانونی و مقررات دیگری در قانون جرائم نیروهای مسلح قرار گیرد. از این زاویه، حادثه سقوط هوایمای اوکراینی، مصداق مشخصی از جرم مقید مذکور در ماده ۵۴ است.

### ه - نوع رفتار مادی از حیث آنی یا مستمر بودن جرم

از نص ماده ۵۴ نمی‌توان اینگونه استنباط کرد که قانونگذار، جرم موضوع این ماده را جرم مستمر به حساب آورده است. بنابراین، جرم موضوع این ماده و از سوی دیگر، حادثه سقوط هوایما را باید آنی به حساب آورد ولو آنکه نتایج رفتار ارتكابی، در طول زمان استمرار داشته باشد. مثلاً اگر فرض کنیم این

حادثه، منتهی به مجروح شدن عده ای از سرنشینان می شد و نه فوت آن ها و مجروحان تا مدت ها بعد از حادثه، درگیر پیامدهای آن بودند، باز هم نمی توانستیم جرم ارتكابی را مستمر به حساب آوریم زیرا عنصر مادی تشکیل دهنده جرم، در یک لحظه از زمان رخ داده و نه در لحظات متمادی و مستمر از زمان.

## و- سوء نیت عام یا خاص و انگیزه جرم

حقیقت، آن است که بحث از سوء نیت عام یا خاص، زمانی می تواند مطرح شود که ما با جرم عمدی مواجه باشیم. جرم موضوع ماده ۵۴، در زمره جرائم عمدی نیست بلکه یک جرم غیر عمدی است و عنصر روانی آن را نه عمد و سوء نیت (که بحث از نوع سوء نیت در آن لازم باشد) بلکه تقصیر یا خطای جزایی تشکیل می دهد لذا تحلیل نوع سوء نیت در جرم موضوع این ماده، موضوعاً منتفی است.

## نتیجه گیری

بر اساس توضیحاتی که ارائه شد، به سهولت و آشکارا امکان اعمال ماده ۵۴ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ در مورد عاملان و مسببان شلیک به هوایمای اوکراینی وجود دارد. این ماده مقرر داشته است: «هرگاه بی احتیاطی یا بی مبالاتی یا عدم رعایت نظامات دولتی در ارتباط با امور خدمتی توسط فرماندهان و مسئولان رده های مختلف نیروهای مسلح، موجب تلفات جانی و یا صدمات بدنی گردد، چنانچه به موجب مواد دیگر این قانون و یا سایر قوانین مستلزم مجازات شدیدتر نباشد، مرتکب به حبس از یک تا سه سال محکوم می شود.» اگر بیانیه ستاد کل نیروهای مسلح در ارتباط با این حادثه، مبنای تحلیل قرار گیرد که علت حادثه را خطای انسانی غیر عمدی ناشی از تشخیص اشتباه شیء پرنده اعلام کرده است و نیز اگر این علت را با ماده ۵۴ تطبیق دهیم و در تحقیقات راجع به این جرم نیز این علت به اثبات برسد، شرایط برای اعمال ماده ۵۴ در ارتباط با مرتکبان این حادثه فراهم خواهد بود.

نکته ای که وجود دارد، این است که در مورد حادثه سقوط هوایما، نباید بر ابهام لفظی که در ماده ۵۴ در ارتباط با عبارت «توسط فرماندهان و مسئولان رده های مختلف نیروهای مسلح»، ایجاد شده است، قائل به عدم مسئولیت کیفی مأموران در این حادثه بود بلکه به نظر می رسد آمران و مأموران در این حادثه می توانند دارای مسئولیت کیفی قلمداد شوند.

از سوی دیگر باید گفت جرم موضوع ماده ۵۴، جرمی غیر عمدی است زیرا عنصر روانی آن، بی احتیاطی و بی مبالائی و عدم رعایت نظامات دولتی است که بر اساس اصول حقوق کیفری، چیزی جدا از عمد و سوء نیت و سازنده جرم‌های غیر عمدی است. از سوی دیگر، این جرم، ظاهراً مقید است زیرا به حکم قانون‌گذار، رفتار ارتكابی مقرر در این ماده، اگر «موجب تلفات جانی و یا صدمات بدنی گردد»، مشمول کیفر قانونی خواهد بود.

و نهایتاً اینکه در باب مجازات رفتار ارتكابی، ظاهراً ماده ۵۴ از دو نوع کیفر رسانی سخن می‌گوید: نخست، کیفر مقرر در خود ماده یعنی حبس و دیگر، کیفرهای دیگر غیر از آنچه در ماده ۵۴ مقرر شده است. این کیفرها به موجب قوانین دیگر، ممکن است نسبت به رفتار ارتكابی به اجرا درآید. در این زمینه، دقت در این قسمت از ماده ۵۴ که مقرر می‌دارد «چنانچه به موجب مواد دیگر این قانون و یا سایر قوانین مستلزم مجازات شدیدتر نباشد»، لازم است.

## منابع

- اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد اول، انتشارات میزان، چاپ نوزدهم، ۱۳۹۶.
- اسماعیلی، شیوا، بررسی مسئولیت حقوقی ناشی از سقوط هواپیمای مسافربری در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی، نشریه قانون یار، جلد اول، دوره ۳، شماره ۹، بهار ۱۳۹۸.
- اسماعیلی، شیوا، مسئولیت‌های حقوقی ناشی از سقوط هواپیمای مسافربری، انتشارات قانون یار، چاپ اول، ۱۳۹۷.
- پوریافرانی، حسن، درآمدی بر حقوق جزای عمومی، جلد اول، انتشارات جنگل، چاپ دوم، ۱۳۹۶.
- حبیب زاده، محمدجعفر و امیر حمزه زینالی، درآمدی بر برخی محدودیت‌های عملی جرم انگاری، نامه مفید، دوره ۱۱، شماره ۴۹، شهریور ۱۳۸۴.
- خداخواه، نسیم، نقش اراده در عنصر روانی جرم، مجله حقوقی قانون یار، دوره ۳، شماره ۷، پاییز و زمستان ۱۳۹۸.
- دادبان، حسن، حقوق جزای عمومی، جلد اول، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سی‌ام، ۱۳۷۷ و نیز باهری، محمد، اصول حقوق جزای عمومی، روزآمد شده توسط عباس شیری و محمدعلی اردبیلی، انتشارات میزان، چاپ نهم، ۱۳۸۹.
- دلیر، حمید، شرح قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح، انتشارات میزان، چاپ سوم، ۱۳۹۵.
- سلیمی، صادق، چکیده حقوق جزایی عمومی، انتشارات جنگل، چاپ سوم، ۱۳۹۸.
- علوی، سید حسن، رابطه تقصیر و عنصر روانی در حقوق جزا، مجله مطالعات فقه اسلامی و مباحث حقوقی، شماره ۳۳، بهار و تابستان ۱۳۹۵.
- گلدوزیان، ایرج، بایسته‌های حقوق جزای عمومی، انتشارات میزان، چاپ شانزدهم، ۱۳۹۳.
- مالمیر، محمود، شرحی بر قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح، انتشارات دادگستر، چاپ چهارم، ۱۳۹۱.
- محسنی، فرید و نصیر ملکوتی، رابطه سببیت در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، مجله حقوقی دادگستر، شماره ۹۱، پاییز ۱۳۹۴.
- محسنی، مرتضی، دوره بنیادین حقوق جزای عمومی، جلد اول، انتشارات گنج دانش، چاپ شانزدهم، ۱۳۸۳.
- محمدخانی، عباس، عنصر روانی جرم، جلد اول، انتشارات میزان، چاپ اول، ۱۳۹۴.
- مصطفی، محمد، شرح قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح، انتشارات جنگل، چاپ ششم، ۱۳۹۰.



میر محمدصادق، حسین و راضیه صابری، تقارن زمانی عناصر مادی و روانی جرم؛ ماهیت و رویکردها، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، دوره ۲۴، شماره ۸۴، زمستان ۱۳۹۷.

میر محمدصادق، حسین، جرائم علیه اشخاص، انتشارات میزان، چاپ نهم، ۱۳۹۶.

میر محمدصادق، حسین، جرائم علیه اموال و مالکیت، نشر میزان، چاپ بیست و ششم، ۱۳۹۵.

نجیب حسینی، محمود، رابطه سببیت در حقوق کیفری، ترجمه علی عباس نیای زارع، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی، چاپ اول، ۱۳۹۱.

نوربها، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، انتشارات گنج دانش، چاپ بیست و ششم، ۱۳۹۲.

یزدانیامحمدرضا، ن، شرح قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح، انتشارات بهنامی، چاپ سوم، ۱۳۹۰.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی